

دکتر نعمت‌الله فاضلی

استادیار انسان‌شناسی و
مطالعات فرهنگی
دانشگاه علامه طباطبائی

فال، فرهنگ و فزاین

رویکردی انسان‌شناختی به
پدیده‌ی فال‌گیری در ایران امروز^۱



مقدمه

«آبرومند هستی و بلبل زبان. همه‌تورا دوست دارند، آینده‌ی درخشانی داری. دوست داری پول زیادی داشته باشی. کینه و افاده‌نداری. یک نیت داری و نمی‌دانی می‌شه یا نمی‌شه. شیرینی ما را بده تا مهره‌ی ما را بهت بدم و بگم، می‌شه یا نمی‌شه!» این جمله‌ها را یک روزنامه‌نگار از فال‌گیری در تهران نقل می‌کند و می‌نویسد: «شغل فال‌گیری انواع و اقسامی دارد و انواع فال عبارت‌اند از: قهوه، شمع، چای، ورق، کف‌بینی، تاس، نخود، آینه و غیره که هر یک بازار و رونق خاص خود را دارد. روزه‌روز نیز بر تعداد مشتریان آن‌ها افزوده می‌شود. زمانی که کلمه‌ی فال‌گیر را می‌شنویم، یک زن کولی با لباس‌های محلی و مندرس را تصور می‌کنیم،

در حالی که فال‌گیرهای امروزی خارج از شکل محلی و بومی خود، دارای دفتر و حساب و کتاب هستند؛ اماکنی که شباهت زیادی به مطب پزشکان دارند و رفت و آمدها بر اساس تعیین وقت قبلی است» [آفتاب، ۳ شهریور ۱۳۸۴].

فال‌گیری اگرچه ممکن است چندان به چشم محققان اجتماعی در ایران نیاید، اما یکی از واقعیت‌های جامعه‌ی امروز ماست. کتاب‌های بسیاری درباره‌ی طرز فال‌گیری به وجود آمده‌اند و حتی از طریق اینترنت به آموزش فال‌گیری می‌پردازند.^۲ نه تنها عامه‌ی مردم، حتی بسیاری از دارندگان مدارک و مدارج دانشگاهی نیز فال می‌گیرند و به فال‌گیران مراجعه می‌کنند. مطبوعات و رسانه‌ها نیز گاه‌وبی‌گاه به بررسی فال‌گیری و

رواج آن در ایران و جهان می‌پردازند. روان‌شناسان و متخصصان آسیب‌های اجتماعی نیز در میزگردها و مصاحبه‌های مطبوعاتی، اغلب از رواج فال‌گیری به مثابه نوعی کج‌رفتاری، شیادی و یا کلاه‌برداری در ایران یاد می‌کنند. اما محققان علوم اجتماعی کمتر به بررسی این پدیده پرداخته‌اند. شاید به این دلیل که هنوز فال‌گیری را به حد کافی مهم یا ارزشمند نمی‌دانند که درباره‌ی آن بیندیشند و یا این که فال‌گیری را نوعی «کنش زنانه»^۳ غیر مهم می‌دانند که از حیطة‌ی دستور کار آن‌ها خارج است. بسیاری نیز ممکن است این موضوع پیش پا افتاده را در مقام و مرتبتی ندانند که در شأن روشنفکر یا محقق دانشگاهی باشد. به هر صورت، به نظر می‌رسد که اکنون وقت آن رسیده است تا

محققان علوم اجتماعی با بررسی این گونه موضوعات، دریچه‌ای به سوی واقعیت‌های فرهنگی و تحولات درونی جامعه‌ی ایران بگشایند.

در این مقاله نگارنده کوشیده است، رویکردی مبتنی بر فهم فال‌گیری به مثابه یک واقعیت یا «امر فرهنگی»، و نسبت این پدیده با تحولات و فرایند موجود جهان-محلی، به خصوص فرایند فراغتی شدن جامعه را توضیح دهد. برای انجام این مطالعه با تعدادی از جوانان که تجربه‌ی فال‌گیری داشته‌اند، گفت‌وگو کرده‌ام. هم‌چنین تجربیات خود و مشاهداتم را در زمینه‌ی فال‌گیری که حاصل زندگی با مردم و جامعه‌ی ایران است، به خدمت گرفته‌ام. من این مقاله را «رویکرد انسان‌شناختی» به موضوع می‌دانم. منظور از رویکرد انسان‌شناسانه، رویکردی است که اولاً فرهنگ را در کانون تبیین‌های خود قرار می‌دهد. ثانیاً ایده‌های خود را از روش مردم‌نگاری و تجربه‌ی زیسته به دست می‌آورد. شناخت فال‌گیری و پدیده‌های مشابه آن، مانند خروس‌بازی یا کفتربازی - پدیده‌هایی که ظاهراً توجیه عقلی ندارند - را نمی‌توان از طریق روش‌های آماری، کمی و پیمایشی شناسایی و فهم کرد. زیرا برای فهم این گونه پدیده‌ها، به درک معنای آن‌ها از سوی کنشگران آن‌ها نیازمند هستیم و فهم‌های برخاسته از نظام فکری و مفهومی ناظران کنش (محققان علوم اجتماعی)، قادر به تبیین آن‌ها نیستند.

من هم مثل اکثر مردم، بارها شاهد صحنه‌هایی بوده‌ام که عده‌ای به کف‌بینی و فال‌گیری با قهوه یا دیوان حافظ یا چیزهای دیگر پرداخته‌اند. من نیز مانند بسیاری دیگر، هنگامی که به گرفتن فالم دعوت شده‌ام، در عین حال که اعتقادی به آن نداشته‌ام، اما وسوسه شده‌ام یا حس کنج‌کاو‌ی‌ام مرا برانگیخته تا ببینم نتیجه‌ی فالم چیست. اما شاید اولین بار یک خبرنگار مطبوعات بود که

این پرسش را برایم مطرح کرد که چرا فال‌گیری به صورت گسترده‌ای در حال توسعه یافتن است. او می‌گفت: «چرا افراد ثروتمند، تحصیل‌کرده و خارج‌رفته و آدم‌های مدرن و تحصیل‌کرده با موقعیت اجتماعی خاص، به خرافات و فال‌گیری تا حد بالایی اهمیت می‌دهند؟ تعداد زیادی از فال‌گیران در شهرک غرب ساکن‌اند و توسط این کار، کسب درآمد می‌کنند و از همه مهم‌تر، روزانه تعداد زیادی تراکت و کارت ویزیت برای فال‌گیری به در خانه‌ها انداخته می‌شود. شما علت آن را چه می‌دانید؟ اصلاً عقلانی به نظر نمی‌رسد یک شهروند منطقه‌ی ۲ تهران که در آن، اغلب افراد ثروتمند و تحصیل‌کرده ساکن‌اند، بیاید ده‌ها هزار تومان بابت فال‌بینی بپردازد. به هر حال، مشکلاتی که این قضیه به وجود می‌آورد، پیامدهای فرهنگی خوبی ندارد.

پس عقلانیت و خردگرایی چه می‌شود؟^۲ این پرسش‌ها بسیار تأمل‌برانگیز و مهم بودند، زیرا ظاهراً از نوعی تناقض در فرهنگ معاصر ایران حکایت می‌کردند. در آن گفت‌وگو من به این نتیجه رسیدم که نفس وجود فال‌گیری به تنهایی یک مسئله است؛ مسئله‌ای که در گذشته نیز وجود داشته است. اما روند گسترش و ظاهر متناقض آن که اساساً با ارزش‌های عقل‌گرایانه‌ی امروزی ناسازگار می‌نماید، مسئله‌ی دیگری است. از این رو، شناخت فال‌گیری در شرایط امروز، مستلزم تبیینی است که گسترش و منطق فرهنگی آن را توضیح دهد، نه کلیت فال‌گیری در طول تاریخ را.

یک رویکرد برای شناخت و تبیین «گسترش فال‌گیری» (نه پیدایش یا کلیت آن)، به مثابه یک موضوع یا «مسئله‌ی فرهنگی» در تهران و ایران، مثل دیگر پدیده‌های فرهنگی در دنیای امروز، شناخت آن در بستر تحولات مدرنیته و پسامدرنیته است. این رویکرد لزوماً درست، یا لزوماً تنها رویکرد ممکن برای فهم این موضوع نیست.

می‌خواهم در این مقاله از همین رویکرد استفاده کنم. هم‌چنین امیدوارم، واژه‌های پرزرق و برق «مدرنیته» یا تجدد و «پسامدرنیته» یا فرانوگرایی، خوانندگان را نهراساند. مدرنیته آن‌گونه‌ای که در این جا مدنظر است، همان تجربه‌ی ما از امروزی شدن است. و پسامدرنیته هم، تجربه‌ی ما در بستر تحولات متأخرتر مدرن شدن در پرتو فناوری‌های ارتباطی، رسانه‌ها و جهانی شدن است. دقیقاً از این منظر است که این سؤال مطرح می‌شود: «مدرن شدن با عقلانیت، علم و صنعت همراه بوده است، پس چرا مردم مدرن‌تر که می‌شوند، به خرافات و باورهای غیرعلمی مثل فال‌گیری گرایش پیدا می‌کنند؟» از چند منظر متفاوت می‌توان به موضوع فال‌گیری نگاه کرد. یکی این‌که واقعیت موجود فال‌گیری چیست؟ دوم این‌که از لحاظ علمی، گفته‌ها و پیشگویی‌های فال‌گیرها درست است یا خیر؟ سوم این‌که قضاوت و «ارزش‌گذاری» یا اعتقاد شخصی ما درباره‌ی فال‌گیری چیست؟ هدف من در این مقاله بیش از هرچیز رسیدن به فهم و شناختی فرهنگی از واقعیت پدیده‌ی فال‌گیری است. مسلماً از لحاظ علمی نمی‌شود، پیشگویی‌ها و گفته‌های فال‌گیران را تبیین کرد و برایش مبنای عقلی ارائه داد. از این رو، مراجعه‌ی افراد به فال‌گیران نوعی کنش غیرعقلانی است، اگرچه همان‌طور که خواهیم دید، اگر کارکردهای فرهنگی و اجتماعی فال‌گیری برای مراجعان آن‌ها را در نظر بگیریم، در می‌یابیم که این امر به معنای آن نیست که نمی‌توان هیچ‌گونه توجیهی برای فال‌گیری ارائه کرد.

بسیاری از کنش‌های انسان بیرون از حوزه‌ی عقل است؛ کنش‌هایی که در ابعاد و نیازهای عاطفی، احساسی و اخلاقی ما ریشه دارند. بسیاری از کنش‌های اخلاقی، مانند فداکاری، محبت، عشق و صبر را نمی‌توان بر مبنای عقلی و حسابگرانه تبیین کرد. بسیاری از امور زندگی روزمره، مانند

خریده‌های روزانه، لزوماً دارای بنیان حسابگرانه‌ی عقلی نیستند. برای مثال، در حالی که کمد ما پر از لباس است، باز در پی خرید لباس بیشتر هستیم. یا اتومبیل ۲۰۰ میلیون تومانی، تفاوت فنی، ایمنی و کیفی به اندازه‌ی ۱۸۰ میلیون تومان، با اتومبیل ۲۰ میلیون تومانی ندارد. اما چرا عده‌ای ترجیح می‌دهند، ۲۰۰ میلیون تومان هزینه‌ی آن کنند؟ صرفاً به دلیل «ارزش‌های نمادین» و «منزلی» آن، این ارزش‌های نمادین و منزلی، غیرقابل محاسبه‌ی مادی هستند. یعنی عقلاً نمی‌شود آن‌ها را حساب کرد. فال‌گیری نیز از جمله کنش‌های غیرعقلانی ماست و نیازمند تبیین در بستر جامعه و فرهنگ. به نظر من، فال‌گیری پدیده‌ای محلی و منحصر به جامعه‌ی ایران نیست. از این رو، باید این موضوع را در بستر تحولات جهانی امروز و در عین حال وضعیت محلی خاص جامعه‌ی خودمان تبیین کنیم. یعنی باید نوعی تبیین «جهان-محلی»^۵ برای فال‌گیری داشت.

برای رسیدن به تبیین جهان-محلی، باید پدیده‌ی فال‌گیری را در بستر و با ملاحظه‌ی روندهای تحولی و فرایندهای فرهنگی جهانی، مانند جهانی شدن، رسانه‌ای شدن، سرگرمی شدن، زنانه شدن، مصرفی شدن، فراغتی شدن، عامه‌پسند یا توده‌ای شدن، مجازی شدن و تجاری شدن مورد توجه و بررسی قرار داد. این رویکرد که من آن را «رویکرد فرهنگی»^۶ شدن می‌نامم، پدیده‌ی فال‌گیری را نه به مثابه امری اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا تاریخ، بلکه به مثابه امری فرهنگی در نظر می‌گیرد. توجه به فال‌گیری به مثابه موضوعی مهم نیز، بیش از آن که ناشی از پیامدهای منفی این موضوع باشد، ناشی از اهمیت یافتن «امر روزمره» یا «زندگی روزمره» در جامعه‌ی معاصر و گفتمان‌های فرهنگی موجود است. اگر از زاویه‌ی فرهنگ و

زندگی روزمره، به پدیده‌ی فال‌گیری و گسترش آن بپردازیم، در می‌یابیم که اگرچه این پدیده دارای مبانی عقلانی نیست، اما با فرایندهای فرهنگی و جهانی دوره‌ی امروز که برخی آن را پسامدرنیسم یا «دوره‌ی فرانوگرایی» می‌نامند، هم‌سوست از این رو در این رویکرد، بررسی درستی یا نادرستی فال‌گیری اهمیت چندانی ندارد، بلکه موضوع مهم‌تر، چگونگی فهم این پدیده در بستر تحولات فرهنگی جامعه‌ی کنونی است. در پایان مقاله، محدودیت‌های نظری و تجربی این رویکرد و در عین حال علت آن را شرح داده‌ام.

فال‌گیری به مثابه یک مسئله

فال‌گیری در ایران در سال‌های اخیر گسترش یافته است. این باوری است که اکنون برخی رسانه‌ها و مطبوعات آن را ابراز می‌کنند؛ هرچند داده و بررسی تجربی که نشان دهد، در گذشته چه میزان مردم به آن اقبال نشان می‌داده‌اند و در حال حاضر چه تعداد مردم فال می‌گیرند یا چه میزان بر فعالیت‌های فال‌گیری افزوده شده است، وجود ندارد. اما می‌توان این واقعیت را پذیرفت که اکنون بیش از گذشته نسبت به آن حساسیت و توجه نشان داده می‌شود. این حساسیت، نه تنها نوعی واکنش روشن‌فکرانه‌ی رسانه و محققان، بلکه واکنش حقوقی دولت نیز هست. مخبر کمیسیون اجتماعی «مجلس شورای اسلامی»، در سال ۱۳۸۵ فال‌گیری را نوعی رواج خرافه‌پرستی و عملی ضد اخلاقی، بدتر از توزیع فیلم‌های مستهجن دانسته است. وی می‌گوید: «متأسفانه طی سال‌های اخیر شاهد رواج یک سلسله شیادی‌ها نظیر فال‌گیری، رمالی، ارتباط با امام‌زمان و غیره هستیم و دلیل این موضوع، افزایش خرافه‌پرستی و زمینه‌ی پذیرش این‌گونه مسائل بین مردم است... پدیده‌ی

رمالی، ترویج خرافه‌پرستی و انرژی درمانی مسئله‌ای خطرناک‌تر از تهیه و توزیع فیلم‌های مستهجن است، زیرا رشد و گسترش آن کاملاً زیرزمینی و نهانی است [شب‌نیوز، ۱۳۸۵].

فال‌گیری، از همان ابتدای شکل‌گیری دولت مدرن در ایران و وضع قوانین مدرن، رفتاری مجرمانه قلمداد شد. مطابق قانون مصوب سال ۱۳۲۴، هرگونه اقدام به رمالی، جن‌گیری و فال‌گیری جرم محسوب می‌شود و مطابق بند ۱۸ ماده‌ی ۳ آئین‌نامه‌ی این قانون، کسانی که از طریق رمالی و پیشگویی در مغازه و منزل اقدام به فریب مردم نمایند و این کار را به عنوان کسب و پیشه‌ی خود قرار دهند، مرتکب جرم شده‌اند و قانون برای این افراد مجازات حبس و جزای نقدی را پیش‌بینی کرده است. در حال حاضر نیز، دولت با این پدیده به مثابه جرم برخورد می‌کند و بنا به اظهار مسئولان قضایی در ایران: «تا کنون تعدادی از افراد فال‌گیر و رمال که با عنوان پیشگویی مبادرت به کلاهبرداری از مردم می‌کردند، شناسایی و دستگیر شده‌اند و قوه‌ی قضاییه نیز با این‌گونه افراد به شدت برخورد می‌کند» [خبرگزاری فارس، ۱۳۸۵/۱۰/۱].

هم‌چنین «مرکز امور اصناف و بازرگانی»، هرگونه تبلیغات در زمینه‌ی فال‌گیری در ایران را ممنوع اعلام کرد: برابر نامه‌ی شماره‌ی ۳۷۱۴/۱۰۸/۷۰۱/۲۰۰۵ مورخه ۸۵/۸/۲۹ مبنی بر این‌که عده‌ای افراد سودجو و فرصت‌طلب با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی و ساده‌اندیشی برخی افراد ساده‌اندیش، به ویژه بانوان که از رفع گرفتاری و مشکلات خویش عاجزند، تحت عنوان فال‌قهوه و فال‌چینی در منازل یا آرایشگاه‌های زنانه فعالیت می‌نمایند و با چاپ کارت‌های تبلیغاتی، مبالغ کلانی دریافت می‌دارند، مقرر گردید، کلیه‌ی اتحادیه‌ها به اعضای

تحت پوشش خود ابلاغ نمایندند [http://www.asnaaf.org/Asnaaf_News.nsf]

این حساسیت به موضوع یا پدیده‌ی فال‌گیری، منحصر به دولت ایران نیست، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان، قوانین از فعالیت‌هایی مانند رمالی و فال‌گیری که به خسارت مالی یا اجتماعی شهروندان منجر شود، حمایت نمی‌کنند. هرچند دولت‌ها عملاً در این زمینه با نوعی اغماض عمل می‌کنند و اساساً این مقوله جزو عرصه‌ی خصوصی زندگی شهروندان محسوب می‌شود، مگر آن‌که شهروندان علیه فردی به

جرم کلاه‌برداری از راه رمالی و فال‌گیری شکایت کنند. در غیر این صورت، دولت‌ها عملاً اقدام پیشگیرانه یا ممانعت‌جویانه‌ای در زمینه‌ی فال‌گیری انجام نمی‌دهند. البته در دولت‌هایی که خود را به ارزش‌های ایدئولوژیک معینی متعهد بدانند، مانند دولت‌های اسلامی، فال‌گیری علاوه بر کلاه‌برداری نوعی جرم فرهنگی نیز محسوب می‌شود. برای مثال، دولت کمونیستی چین که سرزمین آن یکی از جوامع مهم رونق فال‌گیری بوده است، اخیراً در زمینه‌ی پیشگیری و ممانعت از گسترش فال‌گیری اقدام کرده است. خبرگزاری «شین‌هوا» در سال ۲۰۰۴ گزارش داد که در چین هرگونه تبلیغات در زمینه‌ی پیشگویی و فال‌گیری که به افکار جوانان لطمه بزند، تخطی از مقررات محسوب می‌شود و باید فوراً متوقف شود. این‌گونه تبلیغات برای فال‌گیری در چین در برخی زمان‌ها به ویژه سال نو افزایش می‌یابد. دولت چین در پنج دهه‌ی گذشته با خرافه‌گرایی مبارزه کرده است، اما هنوز نتوانسته آن را ریشه‌کن کند و پیشگویی‌ها حتی روی تقویم‌های چینی نیز دیده می‌شوند [آفتاب، ۱۲ بهمن ۱۳۸۳].

اقدامات و واکنش‌های قانونی مذکور به علاوه‌ی گزارش‌ها و مطالب و رسانه‌های ایران نشان می‌دهد که در حال حاضر،

فال‌گیری حداقل از نظر سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و روزنامه‌نگاران ایران به مثابه مسئله‌ای اجتماعی برای جامعه‌ی ایران است و باید برای جلوگیری از آن یا جلوگیری از روند گسترش آن، راه‌حلی یافت. بی‌شک یافتن این راه‌حل، به شناخت دقیق، درست و همه‌جانبه‌ی موضوع نیاز دارد.

رویکردهای متفاوت به فال‌گیری

رویکردهای متفاوتی در پاسخ به پرسش در خصوص «علل گسترش فال‌گیری» وجود دارد. تا کنون برای تبیین نظری و تحلیلی درباره‌ی چرایی و چگونگی فال‌گیری در جامعه‌ی ایران و نسبت به آن با وضعیت جامعه‌ی بررسی تجربی از نظر جامعه‌شناختی انجام نشده است، اگرچه حجم قابل توجهی از مطالب متنوع درباره‌ی این موضوع را در محورهای زیر می‌توان یافت:

- بررسی توصیفی قوم‌نگارانه و فولکلوریستیک از شیوه‌های فال‌گیری در ایران و سایر کشورهای جهان.
- راهنماها و کتاب‌های عامه‌پسند درباره‌ی فال‌گیری.
- بررسی‌های ادبی و تاریخی درباره‌ی فال و فال‌گیری در شعر و ادبیات فارسی.
- بررسی‌های روزنامه‌نگارانه درباره‌ی وجوه آسیب‌شناختی فال‌گیری.

● بررسی‌های جامعه‌شناختی توصیفی درباره‌ی میزان گرایش و نگرش مردم به فال و تفأل.

گفتمان رسمی رسانه‌ها در ایران در سال‌های اخیر اغلب فال‌گیری را در زمره‌ی خرافات و نه «باورهای عامیانه» و فال‌گیرها را به مثابه «شیاد» تلقی کرده است؛ اگرچه فال‌حافظ و برخی تفأل‌زده‌های دیگر، جزئی از باورهای مذهبی محسوب می‌شوند و کمتر به عنوان خرافات قلمداد شده‌اند. به همین دلیل، درک و برداشت کنونی از مفهوم فال در جامعه‌ی ایران با پیچیدگی‌هایی همراه است.

رویکردی که من در این مقاله درصدد تشریح و تبیین آن هستم، «رویکرد فرهنگی» است. در گفتمان‌های موجود در ایران، فال‌گیری از ابعاد روان‌شناختی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، اما کمتر «تبیین فرهنگی» در معنای مورد نظر من در این مقاله، از این پدیده ارائه شده است. در این‌جا نیز مانند دیگر موضوعات اجتماعی و فرهنگی، نمی‌توان «تبیین‌های یک‌سویه» یا «تک‌عاملی» ارائه کرد.

همه ابعادی که در ادامه ذکر می‌کنم، در فال‌گیری دخالت دارند، اما به اعتقاد نگارنده، هیچ‌یک «عامل غالب» یا «علت

تبيين کننده» نيست، جز عامل «زمينه ي فرهنگي» و «بستر اجتماعي» که به تفصيل آن را توضيح مي دهيم. از اين رو ابتدا رويکردهاي موجود در ارائه و نقد مي کنم و سپس به تبیین فرهنگي ام می پردازم.

فال گيري به مثابه امری روانی

يکي از عوامل مؤثر در فال گيري که در ابتدای امر می توان در نظر گرفت، «عامل روان شناختي» است. بسياری عقیده دارند، افرادی که به فال گيران مراجعه می کنند، به علت مشکلات و نيازهاي رواني، مانند افسردگی، درماندگی، ضعف قوای فکری و تحليل عقلائی، و يا فقدان دانش و آگاهی های فرهنگي لازم، به اين کار می پردازند. لشکري و کويری در یک بررسی روان شناختي درباره ي فال گيري در ايران اين گونه نتيجه گيري می کنند که: «عدم اطمینان نسبت به آینده و وجود اين احتمال که چیزی بنای امن امروز را فرو می ریزد، اين حس که باید به هر نحو ممکن امنیت فردا را تضمین کرد يا دست کم امید به آن را به وجود می آورد، افراد را به سمت فال گيري سوق می دهد. فال یک روش برای آدم هایی است که نسبت به آینده حساس ترند و آسیب پذیری شان، آن ها را به اين سمت می کشاند که برای کسب اطمینان، به دنبال یک عامل خارجي بگردند.»

«افرادی که در زندگی شان هرچند وقت یک بار به فال روی می آورند و يا اعتقادی ویژه به فال گيري دارند، چندان قادر به تغيير و تحول در زندگی خود نيستند، و يا اين حقيقت را که خود شخص در ايجاد تغيير و تحول در سرنوشت و زندگی اش دخيل است، قبول ندارند. اين گونه افراد، خود را با اعتقاد ویژه به تقدير و سرنوشت و با اين احساس که قادر نيستند، آنچه را که در آینده روی می دهد، تحمل کنند و دست تقدير نيرومندتر از اراده ي فرد است، محصور می نمايند که اين موضوع

نشانگر زمينه های ضعف اعتماد به نفس است» [لشکري و کوير، ۱۳۸۴].

استدلال تجربی اغلب روان شناسان درباره ي علل روانی و فردی فال گيري، گسترش فال گيري در بين زنان است. لشکري و کويری (۱۳۸۴) در اين باره می نويسند: «آمارها نشان می دهد، گرايش و علاقه ي زنان به فال و فال گيري، بيشتر از مردان است. به دليل متفاوت اجتماعي و رواني، مردان حتی در صورتی که از فقدان اعتماد به نفس رنج ببرند، آن را به شکل محسوس کنترل و پنهان می کنند. به طور کلی، زنان نسبت به اتفاقات آینده و مسائل خصوصي حساس ترند، در نتيجه همواره علاقه مندند مسائل تازه ای را تجربه کنند.» در بخش های بعدی، نقدهای وارد بر اين دیدگاه روان شناختي را نقل می کنم.

فال گيري به مثابه امری اقتصادی

رويکرد ديگر، «تحليل اقتصادي» است. اين نيز از تحليل های رایج در مطبوعات و هشدارهاي رسانه ای است. اين که افراد و مؤسسات فال گیر به دليل منافع اقتصادي به فریب مردم می پردازند و از اين راه عده ای را فریفته و اغوا می کنند. اين تبیین آشکارا قابل نقد است، زیرا اولاً اگر «تقاضای اجتماعي» نباشد، افراد و مؤسسات حرفه ای در اين زمينه فعاليت نمی کردند. يعنی اين «مشتری ها» هستند که فال گیرها را به وجود می آورند، نه برعکس. ثانياً، فال گيري کنشی مبتنی بر رضایت، باور قلبی و اعتماد اجتماعي بالای متقابل بين فال گیر و مشتری است، نه یک کنش خشونت بار و اجباری.

فال گيري به مثابه امری تاریخی

رويکرد ديگر، «تحليل تاريخي» است، اين که فال گيري پديده ای تاريخي است و همواره به اشکال گوناگون وجود داشته است. يعنی فال گيري نوعی ميراث اجتماعي يا فرهنگي و پاره ای از سنت های ماست. به

تعبير یک روزنامه نگار: «فال گيري که در زمره ي سنت های غلط و رایج در بين مردم است، به عصر جادو و به چيزی که اصلاً واقعيت ندارد، برمی گردد.» اين تبیین مثل تبیین های ديگر، پاره ای از واقعيت را بيان می کند، اما درست نيست. زیرا ما سنت های تاريخي بسياری داشته ایم (مانند جشن های متفاوت روزانه، هفتگی و ماهانه در دوره ي ايران باستان) که در طول تاريخ يا در مواجهه با مدرنيته از میان رفته اند و ديگر اثری از آن ها باقی نيست. اکنون همان طور که گفتيم، در واقع پرسش ما اين است که فال گيري چرا با وجود تضادهای که با عقلائیت و علم مدرن دارد، هم چنان باقی مانده و حتی روبه گسترش است؟

فال گيري به مثابه امری سياسی

رويکرد ديگر، «تحليل سياسی» است؛ اين که برخی کشورهای جهان سوم دارای ساختارهای سياسی غير دموکراتيک هستند، در نتيجه حکومت های آن ها مایل اند، مردم را در نوعی «غفلت فرهنگي» نگه دارند تا مردم به جای مواخذه ي حکومت، برای حل مشکلاتشان به نیروهای جادویی مراجعه کنند. اين نيز تبیین درستی نيست، زیرا همان طور که گفتيم، فال گيري و جادوگری در کشورهای توسعه یافته و دموکراتيک نيز وجود دارد و روبه گسترش است. ثانياً، بسياری از کسانی که کنش های فال گیرانه و جادوگرانه را می پذيرند، از افراد تحصیل کرده و متمول يا برخوردار هستند. رويکرد چهارم، منسوب کردن فال گيري به «عامل توسعه نيافتگی» همه جانبه ي کشور است. و توسعه نيافتگی نيز دارای ریشه های سياسی است؛ يعنی در نتيجه ي ناراکرامدی دولت ها و سياست های آن ها دانسته می شود. اين نيز نادرست است، زیرا فال گيري و کنش های مشابه آن، مثل جادو و جادوگری، در کشورهای توسعه یافته ي صنعتی، حتی

توسعه یافته‌ترین آن‌ها مثل آمریکا نیز وجود دارد و رو به گسترش است.

فال‌گیری به مثابه امری اجتماعی

می‌توان فال‌گیری را به وضعیت خانواده، توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی، فقدان امنیت، کمبود امکانات و خدمات اجتماعی و امثال این‌ها نیز منسوب کرد. «وقتی که افراد جامعه توانایی برآورده کردن نیازها و خواسته‌هایشان را از لحاظ فکری، اقتصادی و اجتماعی و یا خواسته‌های قلبی خود را از قبیل ازدواج، طلاق و مانند این‌ها ندارند، به خرافات و فال و فال‌گیری روی آورند. در مشرق زمین و در کشورهای فقیر که افراد نمی‌توانند به امیال و خواسته‌های خود در حالت واقعی برسند، گرایش به خرافات، فال و فال‌گیری بیشتر می‌شود و هر قدر مردم از طبقات پایین‌تر اجتماع و فقیرتر باشند، بیشتر به رمل و اسطرلاب، و فال نخود و... روی می‌آورند» [قرایی مقدم، ۱۳۸۵].

برخی نیز فال‌گیری را نوعی «مشاوره‌ی اجتماعی» درباره‌ی مسائل و مشکلاتی می‌دانند که فرد ظاهراً از تبیین و حل آن‌ها عاجز شده است. هم‌چنین نابرابری‌های جنسیتی و تبعیض‌های اجتماعی نیز می‌توانند، در گسترش فال‌گیری مؤثر باشند. این‌که زنان بیشتر از مردان به فال‌گیری می‌پردازند، تا حدودی ریشه در این واقعیت دارد که به دلیل نابرابری‌ها در توزیع قدرت و ثروت و تبعیض‌های جنسیتی، زنان لاجرم خود را با مشکلاتی مواجه می‌بینند که از یافتن پاسخ‌های لازم برای آن‌ها ناتوان هستند و به مشاوران اجتماعی نیاز دارند که بتوانند، به زبان آن‌ها با ایشان صحبت کنند. به همین دلیل، اغلب فال‌گیری حول و حوش موضوعات مرتبط با دنیای زنان است.

نقد رویکردها

مجموعه رویکردهایی که تا کنون مطرح

کردیم، با چند نقد زیر روبه‌رو هستند؛ هرچند نقد آن‌ها به معنای باطل یا نادرستی مطلق این دیدگاه‌ها نیست، بلکه به معنای آن است که این رویکردها قادر به تبیین جامع مسئله‌ای به نام فال‌گیری در بستر جامعه‌ی امروز نیستند. ● قادر نیستند، توضیح دهند، چرا کسانی که تحصیلات دانشگاهی، تجربه‌ی اجتماعی گسترده و شناخت فرهنگی عمیق دارند، به فال‌گیری می‌پردازند.

● قادر نیستند، نقش عوامل و تحولات اجتماعی و فرهنگی معاصر در رواج یا گسترش فال‌گیری را شرح دهند.

● صرفاً به عوامل محلی مؤثر بر فال‌گیری اشاره دارند، درحالی‌که فال‌گیری پدیده‌ای جهانی است و نیازمند تبیین‌های جهانی-محلی.

● فرض را بر نیازمندی‌ها و مشکلات اقتصادی و روانی افراد به فال‌گیری می‌گذارند، درحالی‌که بسیاری از افرادی که به منظور تأمین نیازها و مشکلات اقتصادی و روانی فال نمی‌گیرند و هدف‌های دیگری مثل لذت، سرگرمی و کنجکاوی را دنبال می‌کنند.

● مرزها و تفاوت‌های موجود بین فعالیت‌های دعانویسی، جادو و فال‌گیری را از یکدیگر تفکیک نمی‌کنند.

● بیشتر از منظر ناظران و افراد بیرون از جرگه‌ی فال‌گیران به این پدیده نگاه می‌کنند و نگرش درونی به آن ندارند. درنتیجه، نمی‌توانند بگویند فال گرفتن چه معنایی برای افراد درگیر آن دارد.

اکنون با در نظر گرفتن نابسندگی بودن رویکردهای روان‌شناختی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی، سهل‌تر و ساده‌تر می‌توان به «ریشه‌های اجتماعی» این پدیده پی برد. به اعتقاد من، اگرچه فال‌گیری دارای ابعاد روان‌شناختی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی است، اما علل گسترش آن در جامعه‌ی امروز، به شرایط اجتماعی و

«فرایندهای هماهنگی» کنونی جامعه برمی‌گردد. یعنی فال‌گیری امری فرهنگی است، نه امری روان‌شناختی، سیاسی یا اقتصادی. از این رو، برای شناخت آن، بهتر است درکی از روند و شرایط امروز فرهنگ و جامعه داشته باشیم.

فال‌گیری به مثابه امری فرهنگی

از لحاظ نظری، فال‌گیری یک «سازه» یا نوعی «تولید اجتماعی» است. پدیده همواره وجود داشته است، اما در هر دوره از تاریخ، متناسب با شرایط خاص آن دوره، برای این پدیده «معنای فرهنگی» و «کارکرد اجتماعی» خاص وجود داشته است. برای مثال، در گذشته‌های دور که انسان با «منطق اسطوره‌ای» می‌اندیشید، باورهایی از نوع فال‌گیری، با نظام و منطق اسطوره‌ای توجیه و تفسیر می‌شدند. در برخی جوامع، فال‌گیری با دین نیز مرتبط بوده است. در بسیاری از اقوام آفریقایی، نمونه‌هایی وجود دارد که فال‌گیری با آیین‌های دینی آن‌ها درآمیخته است و توجیه و معنای دینی دارد. به هر حال، فال‌گیری کنشی است که معنای آن در بستر اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی‌اش شکل می‌گیرد. در عین حال، پدیده‌ی فال‌گیری با کلیت زندگی اجتماعی ما در ارتباط است. از این رو نمی‌توان آن را مجزا از زندگی یا خارق‌العاده تصور کرد. اگر به «منطق اجتماعی» و «معنای فرهنگی» این پدیده پی ببریم، دیگر تصور خارق‌العاده‌ای از آن نخواهیم داشت. بخشی از جنبه‌ی «خارق‌العاده‌ی» فال‌گیری، نه به دلیل رفتار شگفت فال‌گیرها، بلکه به دلیل ناآگاهی و شناخت نداشتن مشتریان آن‌ها از منطق اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی این پدیده است. بر این اساس شاید بتوان «پدیده‌ی گسترش فال‌گیری» را از جمله تحولات پسامدرنیته نامید. پسامدرنیته البته وجوه معرفت‌شناختی، زیباشناختی و اجتماعی

گونگون دارد. یکی از ویژگی‌های آن، درآمیختن ویژگی‌های سنتی با ویژگی‌های مدرن است. احیای ارزش‌ها و باورها و آیین‌های سنتی در یک بستر تازه، از جمله تحولات فرانوگرایی یا پسامدرنیته است. از این روست که در کشورهای توسعه‌یافته‌ی صنعتی غربی، رفتارهای جادوگری و فال‌گیری و مانند آن بیش از دیگر کشورها در حال گسترش است. حتی جنبش‌های ضد علم و جنبش‌هایی که ارزش‌های دوره‌ی مدرن را نقد یا نفی می‌کنند نیز، رواج دارند. مثلاً فال‌گیری در کالیفرنیا و لس‌آنجلس خیلی گسترش دارد. در فرانسه و آلمان و انگلستان

فردی که اقدام
به فال‌گیری می‌کند، دقیقاً
رفتاری خارق‌العاده و نامعقول انجام
می‌دهد که ممکن است، با برخی
ارزش‌های دینی یا عقلانی
سازگار نباشد

هم همین‌طور است. نه تنها فال‌گیری، بلکه در بریتانیا و اروپا، آیین‌های پیگنیسم، جادوگری و آیین‌های مربوط به دوره‌های ماقبل مسیح مجدداً احیا شده‌اند. این آیین‌ها خدا را نفی می‌کنند و به موجودات مبهم و متافیزیکی اعتقاد دارند. در جهان امروز، مجدداً نوعی بت‌پرستی روبه‌گسترش است. اگر در اینترنت واژه‌ی «witchcraft» و مترادف‌های آن را جست‌وجو کنیم، بیش از یک میلیون وب‌سایت را می‌یابیم. اینترنت خود از جمله عواملی است که باعث گسترش، اقتدار و مشروعیت گروه‌ها، هویت‌ها و آیین‌هایی شده است که در گذشته ناشناخته یا کلاً فاقد هرگونه امکان بازنمایی

فرهنگی بودند. اکنون این ویژگی‌های دنیای «مجازی‌شده» و «اینترنتی‌شده‌ی» امروز است که اجازه می‌دهد، گروه‌هایی مانند جادوگران که زمانی در اقلیت بودند، اکنون به هویت‌های اجتماعی بزرگ یا هویت قابل رؤیت در سطح جهانی تبدیل شوند.

معمولاً مردم آن‌طور که دوست دارند و باورهایشان اجازه می‌دهد، خود را با شرایط منطبق می‌کنند، نه لزوماً آن‌طور که ایده‌آل‌های سیاسی یا فرهنگی گروهی خاص یا حتی دولت می‌طلبند. در عین حال، زندگی فرهنگی مردم و رفتارهای آن‌ها و گزینش‌هایشان لزوماً یا کاملاً آگاهانه و مطابق نقشه و مطالعه هم نیست. اگر می‌گوییم، فال‌گیری امری جهانی است و از پیامدهای دوره‌ی فرانوگرایی است، این سخن به معنای آن نیست که مردم منطقه‌ی ۲ تهران می‌دانند، فال‌گیری در دنیا رو به گسترش است، پس حالا از آن پیروی کنند. واقعیت این است که رسانه‌ها و فرایندهای جهانی شدن و در عین حال وجود زمینه‌های فرهنگی بومی و نیازهای اجتماعی معین، دست به دست هم می‌دهند و باعث شکل‌گیری نوع خاصی از رفتارهای فرهنگی می‌شوند. مردم منطقه‌ی ۲ تهران عموماً از رسانه‌ها و فناوری‌های امروزی بهره‌مندند و بسیاری نیز به زبان انگلیسی مسلط‌اند. بسیاری از آن‌ها اقوام، دوستان و آشنایانی دارند که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند یا خودشان مدت‌ها ساکن کشورهای خارجی بوده‌اند. در نتیجه‌ی این عوامل، جامعه‌ی اطلاعاتی و ارتباطی سطح آگاهی‌های جهانی و آگاهی فرهنگی شهروند این منطقه را بالا برده و نوع نگرش او به دنیا متفاوت شده است. او خودش را دیگر از منظر زندگی‌های منطقه‌ای نمی‌بیند، بلکه تا حدودی از دریچه‌ای جهانی می‌نگرد. در این جاست که وقتی می‌بیند رفتاری مثل فال‌گیری در اروپا و آمریکا هم رایج است، در جهان مجازی اینترنت هم گسترش دارد،

به این نتیجه‌ی فرهنگی می‌رسد که این پدیده تعارضی با زندگی امروزی انسان ندارد.

البته تأثیرپذیر ناخودآگاه از فرایندهای جهانی به این معنا نیست که او هیچ نقشی ندارد؛ چرا دارد. اتفاقاً یکی از ابعاد مهم فال‌گیری، تناسب و نسبت آن با فردیت است. شهروند در شرایط امروز احساس می‌کند، با انجام فال‌گیری فردیت خودش را هم محقق می‌کند. هنگام فال‌گیری فرد می‌تواند از چیزهایی لذت ببرد که خودش انتخاب کرده است. فردیت، یعنی اولویت دادن به خواست‌ها و ارزش‌هایی که لزوماً ریشه‌ی تاریخی یا ریشه در ساختارهای جمعی سنتی ندارند، بلکه معیار مشروعیت آن‌ها پذیرش و میل فرد است. فردی که اقدام به فال‌گیری می‌کند، دقیقاً رفتاری خارق‌العاده و نامعقول انجام می‌دهد که ممکن است، با برخی ارزش‌های دینی یا عقلانی سازگار نباشد. دقیقاً این «سرپیچی اجتماعی» است که برای او هیجان تولید می‌کند، و هنگامی که او را سرزنش می‌کنند، چرا پولت را بیهوده هزینه می‌کنی، با قاطعیت می‌گوید: دلم می‌خواهد، دوست دارم، از این کار لذت می‌برم. فال‌گیری برای شهروند امروزی، بخشی از فرایند امروزی شدن است. او دنبال فال‌بینی می‌رود، به آیین‌هایی مثل یوگا روی می‌آورد و طریق عرفان سرخ‌پوستی و هندی یا تجربه‌های عرفانی و ادبیات لاتین را می‌آموزد تا به او حس امروزی بودن و حس فرهنگی بودن را منتقل کنند. درست است که این رفتارهایی عقلانی و علمی نیستند، اما او احساس می‌کند، از این طریق فردیتش ارضا، اشباع و تأمین می‌شود.

یکی از شاخصه‌های مدرنیسم، عقلانیت یا رفتارهای مطابق با معیارهای عقلی و حاکمیت علم است. اما در دوران پست‌مدرن این‌طور نیست و انسان‌ها برای شکستن ساختارهای خشک و علم‌زده، به سنت متوسل می‌شوند. این امر به معنای آن نیست که چنین

افرادی فاقد خرد هستند، بلکه به این دلیل است که فرهنگ و تجربه‌ی انسان در دوره‌ی پسامدرن این وضعیت را ایجاد می‌کند. به نظر من، این عده از شهروندان، زیست جهان احساسی‌شان، و شیوه‌ها و مجاری ادراکشان از فرهنگ فرانوگرایانه یا پست مدرن تغذیه می‌شود. البته منظورم این نیست که ما در جامعه‌ای پسامدرن زندگی می‌کنیم یا دوره‌ی مدرنیته را پشت سر گذاشته‌ایم. بلکه منظورم این است که پاره‌ای از شرایط زندگی ما، لاجرم متأثر از رسانه‌ها، اینترنت و فرایندهای جهانی شدن است و این تحولات را معمولاً با واژه‌ی پسامدرن می‌شناسند.

تبیین فرهنگی دیگر فال گیری، در نظر گرفتن کارکردهای فرهنگی این پدیده است. در رویکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی که بررسی کردیم، اغلب این پیش فرض وجود دارد که فال گیری روشی برای کمک به حل مشکلات افراد از طریق پیشگویی‌های متفاوت است. در نتیجه، مهم ترین کارکرد فال گیری که باعث می‌شود افراد بابت آن حاضر به پرداخت دست مزد شوند، کمک فال گیر به تصمیم گیری آن‌هاست. اگرچه داده‌های تجربی وجود ندارد که بدانیم، تاکنون چه تعداد افراد بعد از مراجعه به فال گیران و بر مبنای گفته‌های آن‌ها تصمیم گیری کرده‌اند، اما من براساس تجربیات و مشاهداتی که داشته‌ام و هم چنین براساس تحلیل نظری که ارائه خواهم کرد، معتقدم افراد به ندرت صرفاً بر مبنای گفته‌های فال گیران تصمیم می‌گیرند، مگر در مواردی که صحبت‌های فال گیر با دیگر ابعاد و خواست‌های زندگی آن‌ها سازگار باشد. یعنی گاه فرد آماده است تصمیمی را اتخاذ کند. در این لحظه، اگر صحبت‌های فال گیر هم سو با تصمیم از پیش گرفته‌ی او باشد، به آن صحبت‌ها عمل می‌کند. از این رو من گمان نمی‌کنم، یکی از کارکردهای فال گیری تعیین تکلیف برای سرنوشت افراد باشد، بلکه

فال گیری کارکردهای دیگری دارد...

فال گیری هم نوعی کنش عاطفی - اجتماعی با منطق و کارکردهای خاص خودش است. البته نمی‌توان سود و زیان مادی آن را عقلاً برآورد کرد. در فال گیری، مجموعه‌ای از اتفاقات رخ می‌دهد که می‌توان آن‌ها را به مثابه پاداش‌هایی دانست که فرد در برابر پولی که می‌دهد، دریافت می‌کند. مهم ترین این‌ها لذت و هیجانی است که در فرایند فال گیری برای مشتریان و افرادی که فالشان گرفته می‌شود، پدید می‌آید. مبنای عقلانی فال گیری را نمی‌توان در درستی یا صحت پیشگویی‌های فال گیر یافت، بلکه در کارکردها و منطق اجتماعی و فرهنگی این رفتار باید جست‌وجو کرد.

فال گیری و فراغت

فال گیری نوعی سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت است، زیرا فال گیر از طریق پیشگویی‌های هیجان‌انگیز، تولید نوعی احساس هیجان در فرد می‌کند. در دنیای جدید، مسئله‌ی گذران اوقات فراغت یکی از نیازهای مردم است و افراد برای پر کردن اوقات فراغت خود، هزینه‌های بسیاری می‌پردازند. برای برخی افراد، فال گیری معنایی جز تولید لذت و هیجان ندارد. یک کارشناسی ارشد روان‌شناسی که در زمینه‌ی «فال قهوه» نیز دستی دارد و معمولاً در نشست‌های دوستانه برای دوستان و آشنایان فال قهوه می‌گیرد، می‌گوید: «آدم‌ها علاقه‌مندند از آینده‌ی خبردار شوند و در عین حال ظرفیت شنیدن اخبار بد را ندارند. آن‌ها دوست دارند، نسبت به آنچه قرار است پیش بیاید، اطمینان حاصل کنند، که دوست داشته خواهند شد و موفقیت به دست خواهند آورد. پس خیالات و رویاهایشان را از طریق فال‌ها دنبال می‌کنند که فال قهوه، صرف نظر از جنبه‌ی پیشگویی که رمالان و یا به عبارتی شایدان به آن متوسل می‌شوند، بیشتر جنبه

تفنی و سرگرم کننده دارد، زیرا برای هر شخص عاقلی روشن است که سرنوشت هر کس به دست خودش ساخته می‌شود و مجموعه‌ای از نقش‌های برجسته شده‌ی ته فنجان نمی‌تواند، آینده‌ی تمام‌نمای آینده باشد» [لشکری و کویر، ۱۳۸۴].

بعد فراغتی دیگر فال گیری، نقش آن در ایجاد و توسعه‌ی شبکه‌ی ارتباطات اجتماعی فرد است. فال گیری راه سهل و کم‌خطری برای برقراری و توسعه‌ی ارتباط اجتماعی و تمهید فرهنگی برای دامن زدن به گفت‌وگو و ایجاد سوژه‌های جدید است. اگر رفتارهای افراد بعد از گرفتن فال را مشاهده کنیم، می‌بینیم که فرد تا مدتی با دیگران درباره‌ی گفته‌های فال گیر صحبت و مشورت می‌کند و از این راه لذت ناشی از هیجان پیشگویی‌ها را بین دوستان و آشنایانش تقسیم می‌کند، با در نظر گرفتن این واقعیت که افراد در جامعه‌ی امروز از سویی برخوردار از فرصت‌ها و از زمان‌های طولانی فراغت از کار هستند، و از سوی دیگر، انبوهی از ابزارهای برقراری ارتباط مانند تلفن، دورنگار، تلفن همراه، اینترنت، مکاتبه‌ی پستی، رسانه‌های جمعی و مطبوعات را در اختیار دارند، در این شرایط نیازمند خلق موضوعاتی برای گفت‌وگو و ایجاد ارتباط اجتماعی هستند. در عین حال، در دنیای امروز افراد به نحو سازمان یافته‌ای در مؤسسات و کارخانجات و محیط‌های کار، گردهم جمع شده‌اند. این امر در کنار وسایل ارتباط جدید و سنتی، نیاز به موضوعاتی برای گفت‌وگو را ایجاد می‌کند.

از این رو، در دنیای امروز منازل و مؤسسات و محل‌های فال گیران، از جمله جاهایی هستند که برای گفت‌وگو موضوع مطرح می‌کنند، این کارکرد را برای ساختن و رواج یافتن شایعه نیز می‌توان در نظر گرفت. شایعه‌سازی فارغ از درستی یا نادرستی آن، تمهیدی فرهنگی برای خلق موضوعاتی برای گفت‌وگو کردن است. کمتر چیزی به اندازه‌ی

شایعه می‌تواند، به بازار داغ گفت و گوها دامن بزند. همین کارکرد را برای فال‌گیری نیز می‌توان در نظر گرفت. فال‌گیری نوعی تخلیه‌ی روانی و عاطفی است، برای کسانی که به هم‌زبان و هم‌دلی برای بیان برخی مسائل خود نیاز دارند، اما نمی‌توانند این مسائل را به زبان بیاورند.

فال‌گیری را می‌توان به مثابه افیونی برای جامعه‌ی امروز دانست که افراد از طریق آن فرصت می‌یابند، به نحوی پاره‌ای از مشکلات، رنج‌ها یا دردهای خود را فراموش کنند. درست همان‌طور که عده‌ای الکل یا مواد مخدر مصرف می‌کنند یا به کارهای دارای ریسک و مخاطره‌ی جسمی یا اجتماعی دست می‌زنند تا به نحوی، از برخی مسائلی که ممکن است آن‌ها را رنج دهد، به نحو کاذب خود را رها سازند، مراجعه به فال‌بین نیز می‌تواند، نوعی «افیون فرهنگی» باشد که عملاً جوامع آن را پذیرفته‌اند. به تعبیر مارشال برمن، افیون بخش مهمی از همه‌ی جوامع بشری بوده و انواع و اقسام گوناگونی از تجربه و بیانگری را دربر می‌گرفته است. http://www.radiozamaneh.org/analysis/2006/11/_1940.html

همان‌طور که گفتیم، اگرچه محتوای گفته‌های فال‌بینان فاقد قابلیت تعبیر فال‌بینی به «افیون فرهنگی» را نباید نوعی تلقی روان‌شناسانه و تبیین فردی از فال‌بینی دانست، زیرا دنیای مدرن با «سیطره‌ی عقلانیت» خود نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمام نیازهای افراد، به‌خصوص نیازهای عاطفی و احساسی و نیازهایی باشد که دارای مبنای عقلانی نیستند. از این رو، فال‌بینی نوعی «تفریح فرهنگی»^۵ است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای عاطفی جمعی باشد؛ اگرچه این تفریح فرهنگی آشکارا با مبنای عقلی ناسازگار است و می‌تواند زمینه‌ی بهره‌کشی اقتصادی از افراد نیز بشود.

فال‌بینی به مثابه نوعی «تفریح فرهنگی»،

کارکردهای فراغتی فال‌گیری را تقویت و تکمیل می‌کند. برای فهم این کارکرد، می‌توان به «وجوه آیینی فال‌گیری» نیز توجه کرد. مجموع نمادها، ابزارها، کلمات، مکان‌ها، زمان‌ها و فعالیت‌هایی که در آیین‌های فال‌بینی انجام می‌شوند، غالباً به گونه‌ای هستند که اولاً به شیوه‌های متفاوت «تولید لذت» می‌کنند، ثانیاً با زندگی روزمره هم‌سو و «عامه‌ی مردم» قادر به فهم و ارتباط برقرار کردن با آن‌ها هستند. بسیاری از مکان‌ها و موقعیت‌هایی که فال‌گیری در آن‌ها صورت می‌گیرد، موقعیت‌های گردهم‌آیی‌های جمعی دوستانه یا خانوادگی مانند شب‌نشینی، جشن تولد، عروسی، سفر و امثال این‌هاست. یعنی افراد هنگامی که در کنار یا با هم هستند، به منظور افزودن به شادی بزم و مجلس جمعی خود، فال هم می‌گیرند. هم‌چنین فال‌بینی اغلب با اشیاء و چیزهایی مانند چای، قهوه، صدف، دودسیگار، دود عود، شمع، تسبیح، انگشتر، ورق، دیوان حافظ، کتاب‌های دینی، ورق تاروت و چیزهایی که همیشه و همه‌جا در دسترس هستند، انجام می‌شود. این اشیاء نه تنها ارزان، در دسترس و سهل‌الوصول هستند، بلکه مهم‌تر از آن «چیزهای آشنا و ملموسی» هستند که افراد از لمس کردن یا دیدن آن‌ها احساس نگرانی یا اضطراب نمی‌کنند. هم‌چنین، گاه این اشیاء و مواد محسوس و ملموس به نحو غریب و خارق‌العاده‌ای ترکیب می‌شوند که معمولاً موجب «تحریک حس شگفتی» و هیجان فرد می‌شود. برای مثال، فال‌بینی به شخصی گفته بود، شما دشمن و حسود یا بدخواه دارید و برای دوری از چشم بد باید اسپند، سنگ نمک، فلفل و پوست پیاز را ترکیب کنید و بسوزانید. یا فال‌بین دیگری تجویز کرده بود که برای دور کردن دشمن، فلفل و نمک را با سرکه درآمیز و صبح هنگام بیرون آمدن از منزل آن را بیرون بریز!

فال‌بینان امروزی غالباً ظاهری متعارف و لباس‌ها و نشان‌های معمول دارند و با جادوگران و شعبده‌بازانی که در گذشته اغلب پوشش مخصوص و متفاوت داشتند، متفاوت هستند. این نیز به افراد کمک می‌کند که راحت‌تر با فال‌بینان ارتباط برقرار کنند و آرامش بیشتری هنگام گفت و گو با آن‌ها احساس کنند. هم‌چنین فال‌بینانی که محل‌های مخصوص دارند، اغلب محل خود را با نمادهای دینی و هنری آشنا برای مردم، مانند تمثال حضرت علی (ع) یا اشیاء هنری و سنتی مثل کوزه‌های سفالی مزین می‌کنند تا مشتریان در فضای فرهنگی آشنا و در عین حال متفاوت قرار گیرند و بتوانند به فال‌گیر اعتماد کنند. این نکته نیز قابل توجه است که فال‌بینان حرفه‌ای اغلب در مکان‌های عمومی و در دسترس عامه‌ی مردم مثل چهارراه‌ها، امام‌زاده‌ها، میدان‌های شهر، پایانه‌های مسافری، مراکز پتراکم جمعیت مثل مراکز خرید و مانند این‌ها، به مشتریان خدمات می‌دهند. در عین حال، در حال حاضر شکل‌های متنوعی از فال‌بینان مجازی و اینترنتی وجود دارند که افراد به سهولت می‌توانند، از طریق رایانه‌ی خانگی خود وارد آن‌ها شوند و رایگان یا با پرداخت پول، فال بگیرند. فال‌بینان اینترنتی رایگان اغلب نوعی بازی نیز هستند و افراد هنگامی که درگیر آن‌ها می‌شوند، وقت زیادی صرف فال‌گیری در زمینه‌های متفاوت یا فال‌گیری برای افراد گوناگون می‌کنند. در هر حال، بخشی از اوقات فراغت خود را در مقابل صفحه‌ی موبایل رایانه با «بازی فال» می‌گذرانند.

اما شاید بتوان مهم‌ترین تمهید فال‌بینان برای تولید لذت و هیجان در مشتریان خود را، القای نوعی حس امیدواری و تولید «نیروی مثبت» از طریق بیان مطالب شادی‌آور در آن‌ها دانست. برای این منظور، اگرچه ممکن است درباره‌ی وجود دشمن یا چشم‌بد برای مشتری سخن بگویند، یا هشدار دهند که

بُعد فراغتی دیگر فال گیری، نقش آن در ایجاد و توسعه ی شبکه ی ارتباطات اجتماعی فرد است



درباره ی این که چرا جوانان بیشتر از بزرگ سالان به فال گیری می پردازند نیز گفته می شود: «فال گیران معمولاً به سراغ دختران و پسران دم بخت و جوانانی که تقریباً مشکلات یکسان و واضحی دارند، از قبیل این که پشت کنکور مانده اند و یا قصد انتخاب دارند، می روند و بر اساس تجربه و شناخت افراد متفاوت، با سرهم کردن کلمات به مواردی اشاره می کنند که ممکن است هر فردی با آن ها برخورد داشته باشد» [آفتاب، ۳ شهریور ۱۳۸۴]. اما تبیین های روان شناختی مذکور، اگرچه با برخی واقعیت های زندگی زنان و جوانان منطبق است، تبیین درست یا دست کم همه جانبه ای از علل اقبال بیشتر زنان و جوانان به فال گیری، به دلایل زیر، نیست:

- مردان نیز دارای نیازها و جنبه های عاطفی و احساسی هستند و این گونه نیست که مردان فاقد احساس باشند یا تمامی کنش های آن ها عقلانی باشد. از این رو، اگر احساس تنها عامل تعیین کننده ی فال گیری بود، چرا مردان برای پاسخ به نیازهای احساسی شان فال نمی گیرند؟
- بین جوانان معتقد به فال یا مشتری فال گیری، مردان جوان نیز در کنار زنان جوان

فال گیری، هم چنین می توان به مشتریان و مخاطبان اصلی این پدیده، یعنی زنان و جوانان نیز توجه کرد. اگرچه بین مشتریان فال می توان مردان و بزرگ سالان را هم دید، اما مشتریان اصلی زنان و جوانان هستند. همان طور که اشاره کردیم، درباره ی این که چرا اغلب زنان به فال گیری می پردازند، توجیحات روانی ارائه شده است. برای مثال، یکی از کارشناسان در زمینه ی گرایش بیشتر زنان به فال و فال گیری نسبت به مردان می گوید: «به طور معمول، زنان احساسی تر از مردان هستند و بیشتر به مسائل شهودی علاقه نشان می دهند. در حالی که مردان بیشتر منطقی و خشن هستند و این موضوع خود به کارکردهای دو نیم کره ی مغز بستگی دارد. چون زنان بیشتر از نیمکره ی راست مغز خود استفاده می کنند، احساسی ترند و به همین دلیل هم، بیشتر به مسائلی روی می آورند که با منطق، توجیه پذیر نیستند. اما مردان بیشتر از نیم کره ی چپ مغز استفاده می کنند. با وجود این، لازم است که بین کارکردهای این دو نیمه تعادل برقرار شود و یک انسان، چه زن و چه مرد، بتواند احساس و منطق را در کنار هم داشته باشد و یکی بر دیگری غلبه نداشته باشد [جغتایی، ۱۳۸۵].

خطری زندگی او را تهدید می کند، اما در نهایت به گونه ای مسائل را بیان می کنند که مشتری با احساس امیدواری و شور و نشاط، از نزد فال بین دور می شود. فال بینان، با «ستایش کردن» مشتری از طریق بیان و انتساب صفات خوب اخلاقی، مانند این که شما قلب پاکی دارید، فرد درستکار و صادقی هستید، بد کسی را نمی خواهید، اهل گذشت و فداکاری هستید، محبت می کنید و تشنه ی محبت هستید، خداوند شما را خیلی دوست دارد و مانند این ها، ضمن جلب توجه و تحکیم حس اعتماد مشتری نسبت به خود، در او نوعی حس خودستایی ایجاد می کنند و از این راه دل مشتری را به دست می آورند. به علاوه، فال بینان با راه حل ها و هشدارهایی که به مشتری می دهند، در او نوعی خوش بینی و امید نسبت به حل مسائل زندگی اش به وجود می آورند. تمام این هیجانات و لذت ها، باعث سرگرم شدن و تفریح مشتری می شود. وجه تفریحی و مسرت بخش دیگر فال گیری، پاسخ هایی است که فال بین به پرسش های بدون پاسخ مشتری می دهد. فال بینان با تکیه بر این مفروض مشتریان عمل می کنند که او به نیروهای ماوراء الطبیعی یا ماوراء انسان دسترسی دارد و می تواند، به چیزهایی آگاهی یابد که انسان قادر نیست از راه عقل، علم و روش های معمول به آن ها دست یابد، پس می تواند پرسش های بدون جواب را پاسخ دهد. این پرسش ها نه تنها درباره ی آینده، بلکه درباره ی مجهولات گذشته، یعنی حوادثی که رخ داده اند و ما اکنون از آن ها بی خبریم، اسرار مکتوب، و معماهای لاینحل زمان حال نیز هستند. لذت شنیدن سخنان فال بین، هنگامی که اسرار را فاش می کند، کلید معماها را نشان می دهد و پرده از راز حوادث سر به مهر قدیم بر می دارد، مشتریان را متقاعد می سازد که بابت آن سخاوتمندانه پول بپردازند. برای فهم وجوه تفریحی و سرگرم کننده ی

هستند. این گونه نیست که مردان اصلاً فال گیری نمی کنند. اگر احساسی بودن زنان علت فال گیری است، پس علت فال گیری مردان و جوانان را چگونه می توان تبیین کرد؟ ● اگر مشکلات دختران و جوانان، مانند ازدواج و کنکور، علت فال گیری است، چرا کسانی که مشکلات جدی ندارند، فال می گیرند؟

● اگر احساسی گری مفرط زنان علت فال گیری است، چرا افراد بالغ و تحصیل کرده فال می گیرند؟

گمان می کنم، تبیین فال گیری زنان و جوانان بر اساس رویکرد احساسی گری مفرط، بیش از آن که ریشه در واقعیت ها داشته باشد، ناشی از رویکرد مذکر و جانب دارانه ی مردانه به دنیای زنان است. در این جا قصد تحلیل این رویکرد را ندارم، اما با تبیین بدیلی که ارائه می کنم، ممکن است نادرستی این رویکرد بهتر آشکار شود. من معتقدم، گسترش فال گیری بین دختران، زنان و جوانان را باید در وجه تفریحی و فراغتی آن جست و جو کرد. جوانان و زنان نیازهای فراغتی و تفریحی بیشتری از مردان دارند. از سوی دیگر، فال گیری ویژگی هایی دارد که انجام آن برای زنان سهل و آسان است. برای مثال، غالباً فعالیتی کم هزینه است و زنان و جوانان قدرت و توانایی اقتصادی تأمین آن را دارند. و مهم تر از آن، جوانان حس جست و جوگری و کنجکاوی بیشتری نسبت به بزرگ سالان و پیران دارند. از این رو، میل آن ها به شناخت و دانستن رازها و معماهای مربوط به گذشته، حال و آینده بیشتر است.

پایان سخن

با توجه به نکاتی که گفتم، اکنون می توان دریافت که فال گیری پدیده ای فرهنگی است که فهم آن به بررسی های تجربی نیازمند است و ابعاد متفاوت فرهنگی دارد که کمتر بررسی

شده است. بنابراین، پیش از اتخاذ یک سیاست از پیش تعیین شده برای ممانعت یا کاستن از پدیده ی فال گیری و رفتارهای مشابه آن، بهتر است برای شناخت دقیق و عمیق تر آن اقدام کنیم. زیرا در غیر این صورت ممکن است راهبردهایی که ما اتخاذ می کنیم، به جایی نرسند. در عین حال، فال گیری از جمله رفتارهای فرهنگی است که دولت یا سازمان های عمومی چندان امکان دخالت در آن را ندارند، زیرا بخشی از عرصه ی خصوصی زندگی مردم است. اگر بخواهیم به اجبار و روش های قانونی برای محدودسازی آن متوسل شویم، مردم آن را به نحو پنهانی انجام می دهند. از این رو، تلاش برای شناخت و توسعه ی یک گفت و گوی فرهنگی درباره ی آن از طریق رسانه ها می تواند بسیار موفق تر باشد. تلاش من در این مقاله، ارائه ی تبیینی فرهنگی از پدیده ی فال گیری به جای تبیین فردی بود. اگر این تبیین را بپذیریم، دیگر در شناخت فال گیری در صدد «بیمار» یا «نابهنجار» دانستن افرادی که فال گیری می کنند، نخواهیم بود. اگر فال گیری بیماری باشد، بیش از هر چیز نوعی بیماری فرهنگی است نه فردی. حتی روان شناسان نیز امروز بر این باورند که فرهنگ نقش تعیین کننده ای در زندگی و شخصیت افراد دارد.^۶

تلاش و هدف من در این مقاله، ارائه ی رویکردی نسبتاً متفاوت به پدیده ی فال گیری بود. در این رویکرد تلاش کردم، به جای قضاوت ارزشی و پیشداوری های اخلاقی، توصیفی مردم نگارانه از آن چه هست، ارائه کنم. اگر بخواهیم ابعاد متفاوت نسبت «فال گیری» و «فرهنگ» را در ایران مطالعه کنیم، باید مفاهیم و ابعاد زیر را مورد توجه قرار دهیم:

● فرهنگ فال گیری: ارزش ها، باورها، آیین ها، زبان و گفتمان فال گیری.

● زمینه ی فرهنگی فال گیری: شرایط

فرهنگی که فال گیری را تشویق و ترغیب یا منع می کند.

● پیامدهای فرهنگی فال گیری: تأثیرات فال گیری در زندگی افراد و شرایط اجتماعی.

● بازنمای فرهنگی فال گیری: نحوه ی بازتاب و تجلی فال گیری در رسانه ها، کتاب ها، مطبوعات، مناسک و آیین های اجتماعی.

● گفتمان های فرهنگی فال گیری: تبیین ها، توجیه ها و تفسیرهای فرهنگی موجود از فال گیری در فرهنگ ها و جوامع متفاوت.

نکته ی اساسی دیگر این که تبیین فراغتی

از فال گیری نمی تواند تمام شکل های فال گیری را توضیح دهد. من در این مقاله انواع و سطوح متفاوت فال گیری را ارائه نکرده ام، بلکه کوشیده ام با توضیح «فال گیری فراغتی»، نسبت میان جامعه ی معاصر و فال گیری را توضیح دهم. اما برای رسیدن به فهم جامع، نیازمند شناخت تجربی از فال گیری به تفکیک گروه های اجتماعی (براساس معیارهای سنی، جنسی، شغلی، قومی، دینی، زبانی و جغرافیایی)، شکل ها و روش های فال گیری و کاربردها و موقعیت های اجتماعی فال گیر هستیم. برای مثال، می توان فال گیری را از لحاظ محتوای فرهنگی و کارکردهای آن به گونه های زیر تفکیک کرد:

● فال گیری مسئله محور: هدف آن پیدا کردن راه حلی برای یک مشکل است.

● فال گیری اعتقادی: هدف آن انجام یک آیین یا باور فرهنگی خاص است.

● فال گیری فراغتی: هدف آن تولید لذت و پر کردن اوقات فراغت است.

تفکیک و طبقه بندی انواع فال گیری و متمایز ساختن فال گیری از پدیده های مشابه و مرتبط با آن، در فهم این پدیده بسیار اهمیت دارد. زیرا برخی از این پدیده ها ظاهراً با یکدیگر شبیه هستند، اما معنای فرهنگی کاملاً متفاوتی دارند. برای مثال، دعانویسی کنشی است که بسیاری از فال گیران نیز انجام می دهند و از آن جهت که به نیروهای ماوراء الطبیعی متوسل

می شوند، دارای وجه مشترک اند. اما باید در نظر داشت که دعانویسی کنشی مذهبی است و ریشه در باورهای دینی دارد، اما فال گیری کنشی نسبتاً عرفی تر است.

به هر حال، من در این مقاله صرفاً به یک رویکرد و وجوه خاصی از فال گیری، و جوهی که بیشتر مغفول مانده اند و کمتر به آن ها توجه شده است، و بیش از هر چیز معطوف به «فال گیری فراغتی» بوده ام؛ زیرا این گونه از فال گیری نسبت به گونه های دیگر است. اگرچه ظاهراً اغلب کسانی که فال می گیرند، برای توجیه و عقلانی سازی کنش خود، حل مسئله را دلیل فال گیری بیان می کنند، اما همواره این گونه نیست و بسیاری مواقع حل مسئله صرفاً بهانه ای برای انجام «بازی فال گیری» است و فرد اساساً اعتقاد جدی به محتوای فال گیری ندارد. می توان با تحلیل تاریخی از تحولات فرهنگی طولانی جامعه ی ایران، این فرض را مطرح ساخت که در دوران سنت، وجه غالب و معنای فال گیری بیشتر جنبه ی اعتقادی داشته است. اما با تحولات معاصر به تدریج فال گیری مسأله محور و سپس فال گیری فراغتی شکل گرفته و گسترش یافته است.

نکته ی دیگری که درباره ی نظریه و رویکرد ارائه شده در این مقاله باید در نظر داشت، این است که تبیین فال گیری در ایران در پرتو نظریه ی پسامدرنیته، دربردارنده ی این مدعا نیست که جامعه ی ایران دوره ی مدرنیته را پشت سر گذاشته یا از سرتا پا پسامدرن شده است. پسامدرنیته در دیدگاهی که این جا به کار رفته است، نوعی تجربه کردن زندگی در یک ساختار و وضعیت اجتماعی خاص است که در آن رسانه ها، جهانی شدن و فرایندهای دیگری که ذکر کردیم، رخ داده اند. اغلب کشورهای در حال توسعه، همانند کشورهای توسعه یافته، لاجرم برای لحظاتی تجربه ی پسامدرن را به دست می آورند. این لحظات ممکن است ناپایدار، گذرا یا کم عمق باشند، اما وجود دارند. فال گیری را می توان پاره یی از

این لحظات تصور کرد که فرد بین سنت ها، تاریخ، و شرایط جهانی - محلی خودش پیوند می زند و «معجون فرهنگی» خاصی را خلق می کند. این که این معجون به چه میزان سالم یا ناسالم است و آیا برای بدن انسان امر و مضر است، یا خیر، نیازمند تحلیل های متفاوت دیگری است. ولی به هر حال، خودآگاهی نسبت به ماهیت فرهنگی فال گیری می تواند، به فرد بینش انتقادی بدهد؛ بینش انتقادی که ارزش آن نمی تواند کمتر از توصیه ها و موعظه های اخلاقی متعارف باشد.

نکته ی دیگری که درباره ی فال گیری و نگارش این مقاله، توجه به این واقعیت است که اهمیت موضوع پیش پا افتاده ای مثل فال گیری، تنها گسترش یافتن این پدیده یا ناسازگاری آن با عقلانیت و رواج خرافه پرستی نیست. بلکه همان طور که اشاره شد، داده های تجربی کافی در اختیار نداریم که نشان دهد، نسبت به گذشته به چه میزان این پدیده افزایش یافته است. آنچه اکنون بیشتر مشهود است، «توجه به» فال گیری و اهمیت دادن به آن در رسانه ها و گفت و گوهاست. یک تحلیل برای علت این امر، همانا اهمیت یافتن زنان و جوانان در فرهنگ و گفتمان های معاصر است. از این رو، موضوعات برخاسته از دنیا یا «زیست جهان زنان» نیز اهمیت بیشتری پیدا کرده اند. بررسی مسائلی مانند فال گیری در پیچه ای است گشوده به سوی دنیای جوانان و زنان و از این راه می توان، تجربه ی درونی بهتری از واقعیت ها و تحولات دنیای آن ها به دست آورد.

آخرین نکته این که مقاله ی حاضر بر اساس یک «مردم نگاری فوری» و گفت و گو با تعداد محدودی از افراد انجام شده است. در نتیجه باید با احتیاط و نقادانه، نتایج و ایده های آن را ملاحظه کرد. همان طور که گفتم، برای رسیدن به یک بیش همه جانبه، داده ها و بررسی های تجربی گسترده و متنوعی نیازمند هستیم. آنچه می توان تا حدودی به نحو قطعی از نتایج این

مطالعه پذیرفت این است که برای گروه های اجتماعی طبقه ی متوسط و متوسط به بالای دارای تحصیلات و موقعیت اجتماعی پرمزنت که به فال گیری روی می آورند، انگیزه ها و هدف های تفننی بسیار پررنگ هستند.

زیر نویس:

۱. در تهیه و تألیف این مقاله از گفت و گوها و مشورت های همکاران عزیزم، جناب آقای دکتر عبدالله گیویان، جناب آقای دکتر ابوتراب طالبی و جناب آقای دکتر محمود شهبانی بهره مند شدم که صمیمانه از آن ها سپاس گزاری می کنم. هم چنین از دانشجویان عزیزم آقای میثم صدر اهراییان و خانم شیدا حافظی که در زمینه ی گردآوری اطلاعات کمک های ارزشمندی کردند، سپاس گزاری می نمایم.

۲. برای مثال، وب سایت زیر یکی از ده ها وب سایت در این زمینه است:

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?viewmode=flat&type=&topic_id=1533&forum=17

۳. این گفت و گو که برای روزنامه ی همشهری انجام شد، در وبلاگ نگارنده موجود است: <http://nafazeli.blogfa.com>

4. Glocal explanation

5. cultural timeout

۶. برای مثال، فروم (۱۹۸۰-۱۹۰۰) شخصیت انسان را بیشتر محصول فرهنگ می داند. به اعتقاد وی، سلامت روان بسته به این است که جامعه تا چه اندازه نیازهای اساسی افراد جامعه را برمی آورد، نه این که فرد تا چه اندازه خودش را با جامعه سازگار می کند. در نتیجه، سلامت روان بیش از آن که امری فردی باشد، مسئله ای اجتماعی است. جامعه ی ناسالم یا بیمار در اعضای خود دشمنی، بدگمانی و بی اعتمادی می آفریند و مانع از رشد کامل افراد می شود. بستگی سلامت روان به ماهیت جامعه، بدان معناست که جامعه تعریف خود را از سلامت روان وضع می کند، و این تعریف چه بسا در زمان ها و مکان های متفاوت تغییر می یابد.

منابع:

فالگیری: تکدی یا شیادی؟ روزنامه آفتاب. ۳ شهریور ۱۳۸۴ (http://www.aftab.ir/news/2005/aug/30/c4c1125394210_social_other.php)

شب نیوز. گفت و گو با مخبر کمیسیون اجتماعی مجلس (http://www.shabnews.com/new_page_943.htm)

جغتایی. آینده ی خیالی در یک فنجان خالی! آفتاب نیوز. ۲۵ تیرماه ۱۳۸۵.

قرایی مقدم. آینده ی خیالی در یک فنجان خالی! آفتاب نیوز. ۲۵ تیرماه ۱۳۸۵.

لشکری، فرزانه و فردوس، کویر (۱۳۸۴). فال قهوه: گریز از آینده به سمت خرافات. وبلاگ کرمان خبر. ۴ آبان

(<http://www.kn.blogfa.com/post-138488.aspx>).